

دین و تصویر: تحلیل تصویری سه دهه از برنامه تلویزیونی «درس‌هایی از قرآن»

مهدی منتظر قائم*

علی اصغر فهیمی فر**، عبدالله بیجرانلو***، بشیر معتمدی****

چکیده

یکی از دغدغه‌های حوزه دین و رسانه، پرسش از نسبت دین مبتنی بر «کلام»، با «تصویر» و «رسانه تصویری» است. در این مقاله ضمن مروری بر ادبیات نظری، از میان برنامه‌های دینی تلویزیون، برنامه «درس‌هایی از قرآن» که توسط آقای قرائتی حدود ۴۰ سال هر هفته از تلویزیون پخش گردیده، مدنظر قرار گرفت و به دنبال پاسخ به این سؤال بود که تصاویر دینی این برنامه، چه تحولاتی را در طی این سالها پیموده است؟ و آیا استفاده از تصویر تلویزیونی، منجر به ارائه بهتر «دین» شده است؟ روش تحقیق در این پژوهش، «نشانه‌شناسی» است که با ۵ آیتم «لباس، سن و جنسیت»، «ارتباطات غیرکلامی»، «ترکیبهای تصویری»، «حرکت» و «رنگ و نور»، تصاویر این برنامه مورد ارزیابی قرار گرفت. روش انتخاب نمونه به صورت تصادفی و انتخاب ۱۰ برنامه در فاصله سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۸ است. نشانه‌شناسی تصاویر حاکی از آن است که این برنامه به تدریج اولاً در جایگاه دین حکومتی قرار گرفته، ثانیاً ارتباطات یکسویه و عمودی گشته و ثالثاً با تمرکز بر تیپ مذهبی حاضران در برنامه، تنوع فرهنگی جامعه را نادیده گرفته است. در

* دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، mmghaem@social.ut.ac.ir

** دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، fahimifar@modares.ac.ir

*** استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، bikaranlou@ut.ac.ir

**** استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، motamedibashir@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۱

نتیجه «تصویر» در این برنامه، به دلیل عدم رعایت شاخصهای ارتباطاتی صحیح، نتوانسته مدد رسان ارائه درست «دین» گردد.

کلیدواژه‌ها: دین، تصویر، تلویزیون، برنامه دینی.

۱. مقدمه

از ابتدای ظهور دین در تاریخ جهان که همپای حضور انسان در کره خاکی است، دغدغه نحوه ارائه دین وجود داشته و همواره این پرسش مطرح بوده است که «چگونه و در چه قالبی می‌توان پیام‌های دینی را برای مردمان ارائه نمود؟» سیر تحولات تاریخی نشانگر آن است که پیام دینی بر مبنای «کلمه» و «گفتاری» بوده که برای مردم بازگو می‌شده و به بیان دیگر ظرف «کلام» بستر ارائه پیام دینی بوده است (ایول (Ellul)، ۱۳۹۱، مورگان (Morgan)، ۱۳۹۱، محسنیان‌راد، ۱۳۸۲).

اما آنچه در زمانه حاضر، دغدغه فوق را دوباره مطرح کرده و آن را دچار چالش نموده، ویژگی‌های منحصر به فرد عصر و زمانه‌ای است که در آن زیست می‌کنیم که از آن تعبیر به «عصر تصویر» می‌کنند (Mitchell, 2005 & Kendrick, 2005, Gross & Kats & Ruby, 2003, Hocks 2003). در واقع با ظهور رسانه‌های الکترونیک همچون سینما، تلویزیون و اینترنت، ظرف «تصویر» بستر ارائه پیام گردیده که در این میان به تعبیر مک لوهان (Mc Luhan) «تصویر تلویزیونی» عامل اصلی این دگرگونی بوده است (مک لوهان، ۱۳۷۷: ۳۶۹).

بر این اساس به نظر می‌رسد پیام دینی نیز در چنین بستری باید مطرح گردد و در نتیجه عصر حاضر، سرآغاز چالشی است که برای پیام دینی به وجود آمده است؛ به ویژه آنکه در تاریخ بسیاری از ادیان، تصاویر جایگاهی محصور دارند و چنین تصور می‌شود که تصاویر اعتمادناپذیرند. تصاویر در نظر ادیان، افراد ناآگاه را با القای نظرها و عقاید غیرحقیقی، گمراه ساخته و بینندگان جوایب حقیقت را می‌فریبند و ایمان را از کلمات به عنوان ابزار وحیانی مکاشفه درونی و الهی در ادیان صاحب کتاب می‌زدند (مورگان، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۱۸). لذا در انتقادهای فراوانی که نویسندگان یهودی، مسلمان، مسیحی یا هندو مطرح کرده‌اند، شاهدیم که شک و تردید موجب بی‌اعتمادی مطلق نسبت به تصاویر شده است (لاتور (Latour) و وی‌بل (Weibel)، ۲۰۰۲، به نقل از مورگان، ۱۳۹۱: ۱۱۷).

در دین اسلام هم به نوعی بحث ممنوعیت بکارگیری تصویر در طول تاریخ مطرح بوده است (Graber, 2006, Naef, 2004, Dwyer)، ۱۳۸۸، شاپوری، ۱۳۸۰، استتی، ۱۳۷۵)

و لذا همین امر زمینه ساز طرح دوباره این پرسش است که دین اسلام در بستر رسانه‌های تصویری نوین چه مسائل و چالش‌هایی را در پیش رو دارد؟ همین سؤال سبب شد تا نقطه آغازین این مقاله کلید خورد.

از سوی دیگر پس از انقلاب اسلامی ایران، دغدغه ارائه دین در رسانه‌ای همچون تلویزیون به طور جدی‌تری شکل گرفت و این فرصت برای حکومت اسلامی فراهم شد که از رسانه نوینی همچون تلویزیون برای ارائه دین استفاده کند. به دنبال آن، چالش‌ها و مسائل مرتبط با نسبت دین و تلویزیون به صورت پُررنگ‌تری مطرح شد و این پرسش برای نگارنده ایجاد گردید که در تلویزیونی که مدعای ارائه محتوای دینی دارد، تصویرسازان چگونه این محتوا را در ظرفی به نام «تصویر تلویزیونی» قرار داده‌اند؟ به بیان دیگر تصویری که در برنامه‌های دینی تلویزیونی ایران در طول سه دهه پس از انقلاب اسلامی ارائه شده، چه ویژگی‌هایی داشته و در طول زمان دچار چه تغییراتی گردیده است؟ برای ارزیابی این امر، برنامه تلویزیونی «درسهایی از قرآن» که با اجرای حجت الاسلام قرائتی نزدیک چهار دهه است که تقریباً هر هفته پخش می‌گردد، مدنظر قرار گرفت تا با مطالعه تصاویر آن بتوان چشم‌اندازی از تغییرات را ترسیم نمود.

۲. ادبیات نظری

بخشی از ادبیات نظری این تحقیق، پاسخ به این سؤال است که تصویر چیست؟ و به طور دقیق‌تر، تصویر تلویزیونی چگونه تصویری است؟ این تصویر چه نوع معانی را می‌تواند ارائه دهد؟ در ادامه ابعاد آن بیشتر تبیین می‌گردد:

۱- جنبه زیبایی‌شناسی تصویر تلویزیونی / تصویر، واقعیت و امر مجازی: برای فهم تصویر باید زبان تصویر را بشناسیم تا از این طریق معانی مورد نظر آن را درک کنیم. تصویر به ویژه در قالب فیلم و سریال واقعیتی رؤیایی است. صورت‌های آن صورت‌های مثالی است که همه زوائد واقعی آن حذف شده است. این صورت‌های مثالی را که به «امر مجازی» تعبیر می‌کنند، نه تنها همتای امر واقعی می‌شود، بلکه می‌خواهد جای آن را بگیرد. هدف اصلی هم جذب مخاطب است که تا آن حد مجازی را واقعی تصور می‌کند که به طور مرتب به آن مراجعه می‌کند. این مسأله، تعریف سبک بصری جدیدی است که امر مجازی تلویزیون را به صورت بسیار واقعی جلوه می‌دهد، اما آن چیزی که روی می‌دهد،

ترکیب «واقعیت مجازی» است که از یک سو واقعیت است و از سوی دیگر مجاز (Mirzoeff, 1999: 92).

لذا تلویزیون اغلب انعکاسی است؛ نه از اینکه زندگی ما چگونه است، بلکه از اینکه زندگی ما چگونه ممکن است باشد. درام‌ها «بازنویسی» از واقعیت است، بطوریکه همه چیز، غیر از آن چیزی است که در واقعیت وجود دارد (Howells, 2003: 209).

بنابراین با توجه به ماهیت و ویژگی‌های واقعیت مجازی می‌توان اینطور استنباط کرد که واقعیت مجازی اولاً برخاسته از خیال و ذهن است که در قالب تصویر عینی به نمایش درآمده است و لذا در ابتدا خیال و ذهن مخاطب را همراه و منعطف به خود می‌کند و ثانیاً به واسطه حسی که از طریق این خیال تصویر شده، ایجاد می‌گردد، مخاطب را با تمام حسش درگیر تصویر مجازی می‌کند. در نتیجه تلفیقی از خیال و حس را به صورت عینی و تصویری در نقطه اوج خود، برای مخاطب به ارمغان می‌آورد.

۲- تصویر، نشانه و معنا: تصویر خود نشانه است و یا به تعبیر بهتر در تصویر، نشانه-های تصویری وجود دارد. اما نشانه چیست؟ به‌طور کلی نشانه، چیزی فیزیکی و قابل دریافت با حواس است که به چیزی غیر از خود دلالت دارد (فیسک (Fiske)، ۱۳۸۶: ۶۵). نشانه‌شناسی، ارتباط را تولید معنا در پیام می‌داند؛ در عین حال معنا مفهومی مطلق و ایستا نیست، بلکه روندی فعال است و نتیجه کنش متقابل و پویا بین نشانه، تعبیرکننده و موضوع است (فیسک، ۱۳۸۶: ۷۲).

در این میان تلویزیون به شکل کلامی و بصری معنا تولید می‌کند و طیف گسترده‌ای از علائم ترکیبی را در رمزها و قواعد پیچیده به کار می‌برد. تلویزیون معنا دهندگانی از قبیل کلام، موسیقی، جلوه‌های صوتی، رنگ‌ها، اشارات، حالات چهره و حرکات را همزمان ارائه می‌دهد. پیچیدگی و تنوع علائم و رمزهای مورد استفاده در تلویزیون به این معنا است که این رسانه به شدت «پلی‌سمیک (Polysemic)» است یا به روی انواع برداشت‌ها و تفسیرها گشوده است، چون معنای هر سکانس تلویزیونی بالقوه معکوس و چندلایه است (مک-کوین (Mc Queen)، ۱۳۸۴: ۳۹۵).

لذا پژوهشگر می‌تواند با تحلیل نشانه‌ها، حداقل معانی احتمالی و آشکارتر را روشن سازد و کاربردها و تدابیر گفتمانی مورد استفاده در آن متن را مورد تحلیل قرار دهد (دالگرن (Dahlgren)، ۱۳۸۰: ۵۷-۵۸). برای همین منظور، نشانه را به دو عنصر دال یا آوا-تصویر (signifier/ sound- image) و مدلول یا مفهوم (Signified/ concept) تقسیم می‌کنند. علاوه بر

این پیرس (Peirce) نیز توجه خود را بر سه بُعد نشانه‌ها یعنی ابعاد سه‌گانه تصویری، اشاره-ای و نمادین (یا سمبولیک) متمرکز کرد (آسابرگر (Asa Berger)، ۱۳۸۳: ۱۷).

بسط این فرایند در تلویزیون موجب می‌شود مخاطب از طریق نشانه‌های (تصویری) متأثر از تلویزیون دینی به تشکیل معنا اقدام کند (لیندرمن (Linderman)، ۱۳۸۲: ۳۴۵). لذا رسانه‌ای همچون تلویزیون به منزله منبعی نمادین درمی‌آید که فرایند معناسازی را شکل می‌دهد (هوور (Hoover)، ۱۳۸۶: ۱۱۴) تا از این طریق دین را به میان مخاطبان بیاورد.

۳- تصویر، صدا و حرکت: اگر زیبایی‌شناسی تلویزیون به طور دقیق تشریح گردد، اولاً مشخص می‌گردد که هر تصویر تلویزیونی، اثری از تقابل نور و رنگ است. اهمیت ادراک نور و رنگ از آن رو است که مستقیماً بر درک اندازه تصویر، حیظه، شکل و مدت آن تأثیر می‌گذارد. موقعیت، راستا و حرکت اشیاء و سوژه در فضا نیز مستقیماً به نور و رنگ مربوط می‌شود و به واسطه آنها قابل درک است (متالینوس (Metallinos)، ۱۳۸۴: ۵۱-۵۳).

ثانیاً آشکار می‌گردد که درک پیروزمندانه تصویر تلویزیونی به ساختار و کنترل مناسب تصویر و ترکیب صدا بستگی دارد. ادراکات سمعی و بصری باید به گونه‌ای منظم، همزمان و مناسب با یکدیگر ترکیب شوند که ساختاری هماهنگ و قابل کاربرد به وجود آورند، چراکه زتل معتقد است تلویزیون رسانه‌ای سمعی-بصری است و تلویزیون صامت از نظر اطلاع‌رسانی و نیز زیبایی‌شناختی غیرقابل تصور است (متالینوس، ۱۳۸۴: ۶۷-۶۸).

ثالثاً نمایان می‌گردد که رسانه تلویزیون از جمله رسانه‌های «تصویر متحرک» است و لذا درک حرکت در تصویر تلویزیونی به اندازه ادراک سمعی و بصری آنها ضروری است. کنترل ماهرانه «حرکت» و کاربرد مؤثر آن در ساخت تصاویر، یکی از ابزارهای کارگردان-های سینما و تلویزیون محسوب می‌شود. زیرا حرکت را عامل یا ساختی محسوب می‌کنند که احساس واقعی بودن ایجاد می‌کند (متالینوس، ۱۳۸۴: ۶۹-۷۰). بنابراین مشخصه منحصر به فرد تلویزیون عبارت است از سنتز سه لایه تصویر تلویزیونی یعنی تصویر، صدا و حرکت و عمل هماهنگ آنها در تحریک و بیدار کردن عواطف بیننده. تصویر تلویزیونی در واقع کل برنامه تلویزیونی، درست در هنگام حرکت و رخداد آن، ترکیب می‌شود (متالینوس، ۱۳۸۴: ۱۵۷).

۳. روش تحقیق

در این مقاله به دلیل ماهیت آن که پی بردن و کشف معناهای نهفته در پیام‌های دینی تلویزیون و در قالب تصویر تلویزیونی است، روش کیفی مدنظر قرار گرفته و از آن، جهت نیل به اهداف تحقیق بهره برده شده است.

۱.۳ روش گردآوری اطلاعات

چنانچه روش کیفی را روش اصلی این تحقیق بدانیم، در بین تحلیل محتوای کیفی رسانه‌ها پنج روش عام را می‌توان برشمرد. هیژمن (۱۹۹۶) انواع تحلیل محتوای کیفی رسانه‌ای را اینگونه می‌نامد: تحلیل ساختاری- نشانه‌شناسی، تحلیل گفتمان، تحلیل ادبی، تحلیل روایی و تحلیل تفسیری (Gunter, 2000: 83 به نقل از فرجی و حمیدی، ۱۳۸۵: ۱۶۴).

مطالعه حاضر، مشخصاً از تحلیل «نشانه‌شناسی» سود خواهد برد. در رهیافت نشانه-شناسی هر چیزی- کلمات، تصاویر و خود چیزها- می‌تواند به مثابه دال‌هایی برای تولید معنا به کار گرفته شود. بنابراین در نشانه‌شناسی تصویری تلویزیون به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که چه نوع تیپولوژی‌ها، رویکردها و ایدئولوژی‌هایی مبتنی بر تصویر شکل گرفته است.

در این راستا، نشانه‌شناسی جعبه کاملی از ابزارهای تحلیلی برای تجزیه تصویر و یافتن نحوه عمل آن با نظام گسترده‌تر معنا ارائه می‌کند. با این حال مهمترین ابزار در درون این جعبه نشانه‌شناختی، «نشانه» است (رز (Rose)، ۱۳۹۴: ۱۴۴).

در ادامه مواردی که در نشانه‌شناسی برنامه «درسهایی از قرآن» به آنها توجه خاص می‌شود، یادآور می‌شویم:

- لباس، جنسیت و سن: یکی از نشانه‌های مهم در برنامه‌های دینی نوع پوشش مجریان و یا مهمانان است که می‌تواند باورپذیر و جذب‌کننده مخاطب باشد و در عین حال به ارزش‌های مشترک فرهنگی اشاره داشته باشد. سن و جنس نیز از منظر نشانه-شناسی می‌تواند دلالت‌هایی مبنی بر تمرکز بر گستره و نوع مخاطبان را بازتاب دهد.
- ارتباطات کلامی و غیرکلامی: ارتباطات وضعیت و آرایش فضایی شخصیت‌ها و اینکه چه کسی جایگاه برتر و چه کسی در جایگاه پست‌تر قرار دارد، می‌تواند در بردارنده معانی مختلفی باشد (رز، ۱۳۹۴: ۱۵۷). در برنامه‌های دینی، نوع ارتباطات

- کلامی عمودی یا افقی و در کنار آن، ارتباطات غیرکلامی رسمی یا غیررسمی می-تواند دلالت بر نوع برقراری رابطه با مخاطب داشته باشد که در نهایت منجر به نزدیکی یا دوری عاطفی و احساسی مخاطب با محتوای دینی گردد.
 - تصویر و ترکیب‌های تصویری: یکی از جالب توجه‌ترین ویژگی‌های تلویزیون، انواع نماهایی است که در آن به خدمت گرفته می‌شود. به عنوان مثال، نمای نزدیک (کلوزآپ) به معنای «نزدیکی»، نمای متوسط (مدیوم‌شات) به معنای «رابطه فردی»، نمای کامل به معنای «رابطه اجتماعی» و در نهایت، نمای دور (لانگ‌شات) به معنای «زمینه، چشم‌انداز و دامنه» دلالت می‌کند (آسابرگر، ۱۳۸۳: ۵۳).
 - رنگ و نور: هر رنگ دارای معانی بسیاری است که برخی از آنها از راه تداعی با یک چیز طبیعی و برخی دیگر از طریق رمزی دارای آن معنا شده‌اند (داندیس (Dondis)، ۱۳۹۳: ۸۲). در نتیجه تحلیل رنگ در تصویر تلویزیونی اهمیت بسیاری دارد.
 - حرکت: یکی از موارد مورد ارزیابی در تلویزیون میزان حرکت و تحرکی است که در تصاویر وجود دارد. هر میزان این حرکات بیشتر باشد، طبیعتاً با ویژگی ذاتی تلویزیون همخوانی بیشتری دارد و هر میزان کمتر باشد، میزان جذابیت تصویر تلویزیونی کاهش می‌یابد.
- برای انجام این تحقیق ۱۰ نمونه (که به صورت تصادفی انتخاب شده) از برنامه‌های «درسهایی از قرآن» در فاصله سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۸ به لحاظ تصویری مورد تحلیل قرار گرفت که البته بعضی برنامه‌های سالهای نزدیک بهم، مانند برنامه‌های (۱۳۶۹ و ۱۳۷۰)، (۱۳۷۵ و ۱۳۷۷)، (۱۳۸۱ و ۱۳۸۲) و (۱۳۸۶ و ۱۳۸۸) به دلیل حفظ ساختار آن، به صورت توأمان ارزیابی شد.

۴. تحلیل یافته‌ها

برنامه «درسهایی از قرآن» با محوریت آقای قرائتی به عنوان روحانی کارشناس، در طول نزدیک به ۴۰ سال گذشته به طور مداوم توسط گروه معارف شبکه اول سیما تولید گشته است. قالب عمده این برنامه به این صورت است که با استفاده از تخته و گچ برای حاضران در جلسه (تماشاچیان) و در کنار آن برای کل بینندگان، مطالب دینی ارائه می‌شود.

۱.۴ برنامه آشنایی با اصول عقاید اسلامی / ۱۳۵۸

الف- توصیف: شروع این برنامه در تلویزیون، به ابتدای پیروزی انقلاب و در حالیکه تلویزیون هنوز وضعیت سامان یافته‌ای نداشت، برمی‌گردد. اولین برنامه در سال ۱۳۵۸ پخش شد. در این برنامه که ابتدا با عنوان «آشنایی با اصول عقاید اسلامی» تولید می‌شد، در فضایی شبیه کلاس برگزار می‌شد که جوانانی در پشت میزهای درسی نشسته‌اند و آقای قرائتی هم در پشت میز معلم نشسته است. سپس آقای قرائتی مطالب خود را با استفاده از گچ بر روی تخته می‌نویسد و در مورد آنها توضیح می‌دهد.

ب- تحلیل نشانه‌شناختی: در ابتدای شروع برنامه، تصویر ثابت و بدون حرکتی از سر در یک مسجد که دور آن هم درختانی قرار گرفته است، نشان داده می‌شود و سپس همراه با آوایی دینی که همراه این تصویر پخش می‌شود، عبارت «آشنایی با اصول عقاید اسلامی» ظاهر می‌شود تا فضای دینی برنامه را منعکس کند (تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۵۸

تصویر، فضای یک کلاس را نشان می‌دهد که خود نشانه‌ای از رابطه معلم و شاگردی در کسب معارف دینی است، به ویژه آنکه تخته و گچ هم استفاده می‌شود (تصویر شماره ۲). همین فضا حکایت از آن دارد که باید برای درک معارف اسلامی در کلاس درس نشست. سکوت مطلق حاضران در طول بحث نیز، مؤید فضای یک طرفه در کلاس است. لذا تلقی اصلی که از دین صورت می‌گیرد، ارتباط یک‌سویه و یک طرفه از سوی دین برای مخاطبان است.



تصویر شماره ۲- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۵۸

اما از سوی دیگر ارتفاع میز آقای قرائتی با میز مخاطبان، یک پله بیشتر نیست و تقریباً هم سطح هم هستند. این امر نشانه مثبتی از هم سطحی گوینده دینی و مخاطب دینی است و به پذیرش بهتر مطالب مدد می‌رساند. نکته مثبت دیگر استفاده از تخته است که از این طریق تلاش دارد که مطالب کلامی را در قالب تصویر خود کلام برای مخاطبان ملموس‌تر کند. ضمن آنکه آقای قرائتی در طول بحث، حتی از مثالی در قالب نقاشی برای تفهیم بهتر مطلب هم استفاده می‌کند که مکمل تصویری نمودن کلام است (تصویر شماره ۳).



تصویر شماره ۳- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۵۸

در خود تصویر به جز لباس روحانی گوینده، نشانه دیگری که حاکی از بحثی دینی باشد، وجود ندارد. تصویر با نمای دور در حالیکه مخاطبان پشت به تصویر هستند، آغاز می‌شود تا چشم‌انداز کلی فضا را نشان دهد و به تدریج به شخصیت گوینده نزدیک می‌-

شود تا در نهایت نمای متوسط او را نشان دهد و بدین ترتیب رابطه فردی مخاطب با گوینده را برقرار سازد.

در طول برنامه، دو یا سه بار تصویرکلوزآپ مخاطبان نشان داده می‌شود که یا با دقت در حال گوش دادن به گوینده هستند و یا در حال یادداشت‌برداری از صحبت‌های او (تصویر شماره ۴) و از این طریق تلاش شده یک نوع نزدیکی با شنوندگان حاضر را به بیننده تلویزیونی منتقل کند تا آنها هم دقت و یادداشت‌برداری را بیاموزند.



تصویر شماره ۴- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۵۸

ج- رنگ و نور: در این مجموعه تنوع رنگی و بیشتر روشن در بین مخاطبان دیده می‌شود. در پشت تخته سبز رنگ، پرده‌ای سبز رنگ (اما تیره‌تر) قرار داده شده تا تناسب رنگی بین این دو ایجاد شود. اما نورپردازی در برنامه جالب نیست. سایه گوینده و میزها در تصویر وجود دارد که نشان می‌دهد نورپردازی کاملی در صحنه صورت نگرفته است.

د- حرکت: در این برنامه، حرکت به عنوان یک ویژگی تلویزیون به ندرت دیده می‌شود. در اکثر اوقات برنامه تصویر با نمای متوسط آقای قرائتی که در حال صحبت است، نشان داده می‌شود و تنها لحظاتی تصویر مخاطبان دیده می‌شود. حتی نمای گوینده در بیشتر دقایق ثابت و همان نمای متوسط است و تنها چهار بار، آن هم کوتاه، در طول برنامه تلاش شده از نمای متوسط به نمای دور حرکت کند. لذا عدم حرکت در طول برنامه لطمه جدی به برنامه تلویزیونی، به لحاظ حرکتی وارد کرده است.

البته خود گوینده در یک جای ثابتی ننشسته، بلکه در طول فضای جلوی تخته حرکت کرده و یا از تخته استفاده می‌کند و در نتیجه از خسته‌کنندگی برنامه می‌کاهد. اما در مجموع

میزان ثبات تصویری به اندازه‌ای است که نمی‌تواند مخاطب را پای تلویزیون نگه دارد تا تصویر نسبتاً ثابتی را ببیند.

ه- لباس، جنسیت و سن: همه مخاطبان حاضر در برنامه، جوانان و نوجوانان پسر دبیرستانی هستند. اولین نکته عدم حضور زنان در بین مخاطبان است که یک نقیصه به حساب می‌آید. دومین نکته حضور جوانان است که از این جهت که برای جامعه جوان (تازه انقلاب کرده) برنامه پخش می‌شود، مثبت است و حاکی از دغدغه‌ای است که برنامه ساز جهت آشنایی نسل جدید با اسلام دارد.

نکته سوم که جالب هم به نظر می‌رسد، لباس جوانان است که بعضی از آنها با آستین کوتاه یا یقه باز در کلاس حضور دارند و نشان از تنوع تیپ مخاطب دارد (تصویر شماره ۵)، مسأله‌ای که در سالهای بعد دچار خدشه جدی شد. این تنوع تیپ جوانان، موجب جلب توجه و جذب تپهای متفاوت‌تری از مخاطبان به برنامه می‌شود و لذا نکته مثبتی به حساب می‌آید.



تصویر شماره ۵- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۵۸

نکته بعدی لباس گوینده است که تا حدی نامرتب (یقه باز) به نظر می‌رسد. البته محاسن وی منظم و به لحاظ سنی نیز، جوان است که همین فاصله کم سنی با مخاطب، به جذب بهتر مخاطب کمک می‌کند. اما در مجموع، لباس گوینده جذاب نیست و پیام دینی به تبع آن غیرجذاب جلوه می‌کند (تصویر شماره ۶).



تصویر شماره ۶- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۵۸

و- ترکیبهای تصویری: در این مجموعه از ترکیبهای تصویری استفاده نشده است و در نتیجه فرصتی را برای خیال انگیزی فراهم نمی‌کند. تنها برای نوشتن عنوان برنامه و نام گوینده، کلماتی در وسط تصویر قرار می‌گیرد و به غیر از این دو مورد، چیزی مشاهده نمی‌شود.

ز- تحلیل نهایی: بیشتر از هر چیز، این برنامه متکی به توانایی‌ها و ابتکارات خود گوینده است. حرکت های او در جلوی تخته، استفاده از گچ و تخته برای عینی نمودن کلمات بکار برده شده، استفاده از مثال‌های متعدد و حتی کشیدن نقاشی از جمله این موارد است که نشان می‌دهد جذابیت این مجموعه به لحاظ تصویری، بیشتر حاصل ظرفیت گوینده در برقراری ارتباط با مخاطبان است.

۲.۴ برنامه درسهایی از قرآن / ۱۳۶۶

الف- توصیف: این برنامه در سال ۱۳۶۶ و در ایام محرم تولید شده است. ساختار برنامه همچنان مانند گذشته است و تنها تفاوتی که پیدا کرده، به جای کلاس درس، در مسجد برگزار شده و مخاطبان بر روی زمین نشسته‌اند.

ب- تحلیل نشانه‌شناختی: به لحاظ نشانه‌شناختی، تلاش شده در حد کم از نشانه‌های دینی برای فضاسازی دینی بهره گرفته شود. از جمله اینکه در پشت سر گوینده پارچه‌های رنگی عزاداری قرار گرفته است. به نظر می‌رسد میله‌های اضافی که در پشت سر گوینده وجود دارد، مهتابی‌هایی (خاموش) است که به عنوان تزئین در تصویر قرار داده شده تا

دین و تصویر: تحلیل تصویری سه دهه از برنامه تلویزیونی ... ۲۳۵

نمادی از اشعه‌های خورشید باشد و این معنا را (هرچند ضعیف) برساند که این جلسه دینی همچون خورشید می‌درخشد (تصویر شماره ۷).



تصویر شماره ۷- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۶۶

هم‌سطحی بین گوینده و مخاطب نیز تا حدودی تغییر کرده و مخاطبان به جای آنکه پشت صندلی نشسته باشند، بر روی زمین نشسته‌اند؛ اگرچه گوینده همچنان بر پشت میز است و فاصله (مثلاً با استفاده از منبر) افزایش نیافته است.

در این مجموعه سه تصویر غیر از تصاویر گوینده و مخاطبان نشان داده شد. یکی از معدود تصاویر متفاوت، تصویر کتیبه‌ای است که بر دیوار مسجد است و دوربین با حرکت کلوزآپ تلاش دارد فاصله نزدیکی بین مخاطب با این کتیبه دینی ایجاد کند (تصویر شماره ۸).



تصویر شماره ۸- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۶۶

همچنین تصویر پارچه سیاهی که بر روی آن قسمتی از «زیارت عاشورا» آمده در نمایی متوسط نشان داده می‌شود تا مخاطب بتواند با توجه به مطالبی که می‌شنود، رابطه فردی با آن زیارت برقرار سازد (تصویر شماره ۹). دقایقی بعد نیز، حرکت تصویر بر روی پارچه‌ای است که جمله‌ای از امام خمینی در مورد حادثه کربلا بر روی آن نوشته شده است تا بار دیگر معانی بیان شده توسط گوینده به گونه‌ای دیگر تجلی یابد.



تصویر شماره ۹- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۶۶

تصویر سوم نیز، تصویری از سقف قوسی شکل داخل مسجد است که لوستری در میانه آن آویزان گردیده، تا علاوه بر اینکه تداعی‌گر معماری اسلامی و فضای مذهبی مرتبط با آن باشد، نمادی از صحبت‌های گوینده باشد که همچون چراغی در مسجد، معارف دینی را بازمی‌گوید. این تلقی با حرکت از چراغ و لوستر از سمت بالا به پایین که جمعیت مستمع را نشان می‌دهد، تثبیت می‌شود (تصویر شماره ۱۰).



تصویر شماره ۱۰- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۶۶

در مجموع به لحاظ استفاده از نشانه، تلاش شده تا نشانه‌های بیشتری (ولو اندک) در تصویر به کار برده شود. تصویرساز تلاش دارد تا نشانه‌های دینی را به تصویر کشد تا بتواند از طریق نشانه، پذیرش مفاهیم دینی را تسهیل نماید. بدین جهت نسبت به مورد قبلی که تقریباً خالی از هرگونه نشانه دینی بود، گامی به جلو به حساب می‌آید. در انتهای این برنامه، به مناسبت ایام محرم، روضه‌خوانی توسط پیرمرد مداح (آقای کوثری) انجام می‌شود. صدای ایشان که به شیوه سنتی روضه‌خوانی می‌کند، محزون است و لذا برای فضای عزاداری مناسب به نظر می‌رسد.

ج- رنگ و نور: تنوع رنگ کمتر شده است و همچنان نورپردازی خوبی انجام نشده و حتی ضعیف‌تر از گذشته به نظر می‌رسد.

د- حرکت: در این برنامه، حرکت به عنوان یک ویژگی تلویزیون از برنامه گذشته کمتر هم شده است و این امر به شدت به مجموعه تصویری لطمه وارد کرده است. حرکت‌های آقای قرائتی که در برنامه اولیه وجود داشت، در این برنامه دیده نمی‌شود و در تمام مدت صحبت، در پشت میز خود نشسته است. اگرچه تخته در پشت سر او وجود دارد، اما از آن استفاده‌ای نمی‌شود. تغییر تصویر از گوینده به مخاطب و از نمای متوسط گوینده به نمای دور کمتر شده است و در نتیجه بیشتر با تصویر ثابت مواجه هستیم. اگرچه تصویرساز تلاش کرده در یک یا دو صحنه با استفاده از تصاویر کتیبه یا طاق مسجد، تنوع تصویری ایجاد کند.

ه- لباس، جنسیت و سن: این برنامه چندین فرق عمده بدین لحاظ داشته است. اولاً حضور هر دو جنس زن و مرد در جمع مخاطبان مشاهده می‌شود تا به نوعی هر دو جنسیت را پوشش دهد، اما زنان در پشت مردان و در عقب‌تر نشسته‌اند که نمادی از برتری دادن مردان به زنان است. ثانیاً تنوع سنی هم تا حدودی ایجاد شده و از جوانان تا پیران را شامل می‌شود، اگرچه با توجه به اکثریت جامعه که جوان هستند، اکثر مخاطبان را هم جوانان تشکیل می‌دهند (تصویر شماره ۱۱).



تصویر شماره ۱۱- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۶۶

ثالثاً تنوع تپیی در مخاطبان کاهش داشته و اکثر افراد از تپ مذهبیه هستند که این مسأله به طور طبیعی منجر به محدود کردن مخاطبان برنامه می‌شود. در واقع نکته مثبت برنامه گذشته ادامه پیدا نکرده و در نتیجه ابعاد جذب مخاطب آن تضعیف گشته است. علاوه بر این، لباس و سر و صورت نامنظم گوینده (به نسبت برنامه گذشته)، این وضع را تشدید کرده و در نهایت زیبایی تصویر را کاهش داده است.

و- ترکیبهای تصویری: در این مجموعه از ترکیبهای تصویری استفاده نشده است و در نتیجه فرصتی را برای خیال‌انگیزی فراهم نمی‌کند.

ز- تحلیل نهایی: در نهایت به نظر می‌رسد علی‌رغم گذشت ۸ سال از اولین برنامه‌ها در سال ۱۳۵۸، این برنامه دچار افت کیفیت شده است. می‌توان تا حدودی این مسأله را ناشی از وجود شرایط جنگی در کشور در آن سالها دانست که به طور طبیعی این آشفتگی شرایط کشور، به برنامه‌های تلویزیونی نیز تسری یافته و در نتیجه، دغدغه ارائه کار کیفی کاهش یافته است.

۳.۴ درسهایی از قرآن / ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰

الف- توصیف: دو برنامه در سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ انتخاب شده است که دارای همان ساختار و سبک است. برنامه سال ۱۳۶۹ در جمع دانشگاهیان و در ماه مبارک رمضان است. برنامه ۱۳۷۰ نیز در جمع سپاهیان و در آستانه روز پاسدار است.

ب- تحلیل نشانه‌شناختی: یکی از تغییراتی که این دو برنامه نسبت به گذشته دارد، تغییر تخته‌ای است که در پشت سر سخنران قرار دارد. بر روی تخته برخلاف گذشته که

دین و تصویر: تحلیل تصویری سه دهه از برنامه تلویزیونی ... ۲۳۹

هیچ عبارتی از قبل وجود نداشت، عبارت «بسمه تعالی» و «درسهایی از قرآن» با خط زیبایی نستعلیق نوشته شده که این امر، علاوه بر افزایش زیبایی بصری تصویر، فضا سازی نسبتاً مناسبی را به لحاظ کلیت نوع برنامه و مطالبی که می‌خواهد عرضه شود، فراهم می‌کند (تصویر شماره ۱۲).



تصویر شماره ۱۲- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۷۰

علاوه بر این، در برنامه سال ۱۳۶۹، احادیثی که بناست در آن جلسه بر روی آن بحث شود، از قبل در روی مقوا و در کنار تخته، بر روی تابلوی دیگری چسبانده شده تا از این طریق هم جذابیت تصویری به لحاظ خط نستعلیق بکار رفته، افزایش یابد و هم به لحاظ بصری، امکان ارتباط بیشتر مخاطب را با مطالب فراهم کند. ضمن آنکه مقواها بر روی رنگ زمینه‌ای متفاوت چسبانده شده که جذابیت را افزوده است (تصویر شماره ۱۳).



تصویر شماره ۱۳- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۶۹

در برنامه ۱۳۷۰، یکی از تغییرات مهم به وجود آمده در تصویر، قرار گرفتن عکسهای امام خمینی و مقام رهبری بر روی میز و در کنار گوینده و به سمت دوربین است که این تلقی را ایجاد می‌کند که سخنان دینی گوینده از جانب نظام سیاسی در حال بیان است (تصویر شماره ۱۴). به بیان دیگر، سخنان دینی گوینده بر خلاف گذشته که بدون پیش زمینه، از طریق تصویر تلویزیونی مطرح می‌شد، با ایدئولوژی نظام سیاسی تلفیق شده و در قالب ایدئولوژی نظام مطرح می‌شود. آفت شکل دادن به چنین فرآیندی این است که نقص و اشکال نظام دینی به حساب نقص و اشکال دین گذاشته شده و به نوعی به آن تسری می‌یابد.



تصویر شماره ۱۴- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۷۰

در این دو برنامه فاصله سخنان و مخاطبان تقریباً حفظ شده و اگرچه محل ایستادن گوینده مقداری بالاتر رفته، اما مخاطبان هم بر روی صندلی در جلوی گوینده قرار دارند. اما به لحاظ نشانه‌ای، نشانه‌ای که بر روی آن تمرکز شده باشد، وجود ندارد (به جز یک مورد در سال ۱۳۷۰). در ابتدا و انتهای برنامه تنها به ذکر صلوات توسط جمع بسنده شده است. در واقع تلاشی برای بهره‌گیری از آواز یا موسیقی برای افزایش جذابیت تصویر انجام نشده است.

ج- رنگ و نور: در این دو برنامه (به ویژه برنامه ۱۳۶۹) تنوع رنگی بسیار بیشتر از برنامه‌های گذشته است. در برنامه ۱۳۶۹، رنگهای دیوار، پارچه‌ها، لباس افراد نشان می‌دهد که تنوع رنگی به تدریج نسبت به قبل افزایش یافته است. وجود پارچه نوشته‌ها با رنگهای روشن (عمدتاً زرد رنگ) و یا یونولیت آبی رنگ که مقواها بر روی آن چسبانده شده و یا

دین و تصویر: تحلیل تصویری سه دهه از برنامه تلویزیونی ... ۲۴۱

تابلوهای شهدا که در رنگهای مختلف بر دیوار نصب شده، جذابیت رنگی تصویر را افزایش داده است (تصویر شماره ۱۵).



تصویر شماره ۱۵- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۶۹

در برنامه ۱۳۷۰ نیز، وجود گل بر روی میز سخنران و یا ریسه با چراغهایی در رنگهای مختلف که از سقف آویزان شده، این تنوع رنگی را ایجاد کرده است. در این دو برنامه، ضعفهای نورپردازی در برنامه‌های گذشته تا حدی برطرف شده، اما همچنان سایه سخنران در تصاویر وجود دارد که به لحاظ تصویری مطلوب نیست.

د- حرکت: سخنران دوباره ایستاده صحبت می‌کند و همین امر باعث شده که تصویر گوینده مانند برنامه سال ۱۳۵۸ دارای حرکت باشد. تغییر تصویر از گوینده به مخاطبان یا تغییر نمای گوینده (از دور به نزدیک یا بر عکس) و یا تغییر زاویه دوربین نسبت به گوینده (به ویژه در برنامه ۱۳۶۹) بیشتر شده و لذا نسبت به گذشته، حرکت تصویری افزایش یافته است (تصویر شماره ۱۶).



تصویر شماره ۱۶- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۶۹

ه- لباس، جنسیت و سن: از لحاظ لباس، فرق عمده‌ای که این برنامه نسبت به برنامه‌های قبلی دارد، نوع پوشش گوینده است که برخلاف قبل، لباس‌های منظم (قبا) پوشیده و محاسن هم تا حدودی مرتب گردیده که این امر زیبایی تصویر را افزوده است (تصویر شماره ۱۶). از لحاظ سن مخاطبان تغییر عمده‌ای مشاهده نمی‌شود و عمدتاً جوانان حضور دارند. به لحاظ جنسیت، در این برنامه زنان نیز حضور دارند و از جهت نشستن نیز تقریباً موازی آنان (در کنار مردان ولی کمی عقب‌تر) قرار دارند، اما تصاویر بسیار کم (یک یا دو تصویر) و عمدتاً در نمای دور از آنان وجود دارد. این امر نشان دهنده آن است که اگرچه جایگاه آنها در جامعه تا حدودی تغییر کرده، اما همچنان آنها نادیده گرفته می‌شوند.

تنوع تیپ و لباس مخاطبان نسبت به برنامه قبلی بیشتر شده و طیف بیشتری از مخاطبان را دربرمی‌گیرد، اگرچه از این لحاظ، به برنامه ابتدای انقلاب (برنامه سال ۱۳۵۸) نمی‌رسد. اما در مورد زنان این تفاوت تیپ وجود ندارد و اکثراً زنان چادری هستند.

و- ترکیبهای تصویری: در این مجموعه همچنان از ترکیبهای تصویری استفاده نشده است و در نتیجه فرصتی را برای خیال‌انگیزی فراهم نمی‌کند.

ز- تحلیل نهایی: در مجموع به نظر می‌رسد با توجه به اتمام جنگ و آغاز دهه دوم انقلاب اسلامی و رهبری جدید، فضای نویی در کشور ایجاد شده که این امر به برنامه‌های دینی نیز تسری یافته است. تغییرات قابل توجه شامل تنوع تیپ و پوشش مخاطبان، آراسته شدن گوینده، تنوع رنگی بیشتر در تصویر و در نهایت توجه بیشتر به حرکت تصویری است. در واقع شاهد اهمیت یافتن تدریجی کیفیت تصویر در برنامه‌های دینی هستیم.

این دو برنامه حکایت از نوشدن و متفاوت بودن نسبت به گذشته دارد و به نوعی بازتاب شرایط جامعه است. در عین حال آغاز ایدئولوژیک کردن مطالب دینی را می‌توان از همین دهه با نشانه‌هایی دریافت نمود. توجه به نشانه تصویری و خیال‌انگیزی تصویر در برنامه‌های گفتارمحور همچنان کم رنگ است.

۴.۴ درس‌هایی از قرآن / ۱۳۷۵ و ۱۳۷۷

الف- توصیف: دو برنامه در این سالها در دسترس بود که با همان ساختار اجرا شده است. مهمترین تغییری که در این برنامه صورت گرفته، انتخاب تیتراژ در ابتدای برنامه است که تا پیش از این وجود نداشت.

ب- تحلیل نشانه شناختی: در این تیتراژ که به صورت کامپیوتری و انیمیشنی تهیه شده، همراه با تلاوت سوره حمد توسط قاری برجسته عبدالباسط، ابتدا تصویر کره زمین را در حال چرخش در میانه آسمان نشان می‌دهد که از فاصله دور به جلوی تصویر می‌آید (تصویر شماره ۱۷).



تصویر شماره ۱۷- درس‌هایی از قرآن سال ۱۳۷۵

سپس تصویر غارحرا در میان کوهها نشان داده می‌شود که نور زرد رنگی از غار می‌درخشد و به تدریج محو شده و تصویر کهکشان در حال چرخش در میانه آسمان پدیدار می‌شود. کهکشان به تدریج به جلوی صفحه می‌آید. در میانه این کهکشان در حال چرخش، تصویر کعبه وجود دارد (تصویر شماره ۱۸) که در نهایت هنگامی که تصویر کعبه به صورت بزرگتر و نزدیکتر به صفحه قرار می‌گیرد، عبارت «درس‌هایی از قرآن» در میانه

صفحه و بر روی کعبه آشکار می‌گردد و سپس برنامه با ذکر صلواتی آغاز می‌گردد (تصویر شماره ۱۹).



تصویر شماره ۱۸- درسهایی از قرآن ۱۳۷۵

این تصاویر همراه با تلاوت قرآن نشانه آن است که نزول آیات قرآن به زمین و این کره خاکی از غار حرا آغاز شد و سپس نوای آن تمام جهان و کهکشان را دربرگرفت تا جایی که کعبه به عنوان خانه خدا در مرکز این عالم قرار گرفت. اکنون قرار است درسهایی از این قرآن که به واسطه قرار گرفتن این عبارت بر روی تصویر کعبه، نمادی از خانه کلمات الهی به حساب می‌آید، برای مخاطبان عرضه شود. در واقع تیتراژ ابتدایی به واسطه واقعیت مجازی که ایجاد کرده، توانسته خیال‌انگیزی مخاطب را تا حدودی فعال کرده و در کنار نشانه‌های معنادار که در این تیتراژ بکار رفته، فضای مناسب برای ورود به مباحث را فراهم کند.



تصویر شماره ۱۹- درسهایی از قرآن سال ۱۳۷۵

دین و تصویر: تحلیل تصویری سه دهه از برنامه تلویزیونی ... ۲۴۵

یکی دیگر از نشانه‌ها در این دو برنامه بزرگتر شدن تصویر امام خمینی و مقام رهبری است که در دو طرف مسجد قرار گرفته است (تصویر شماره ۲۰)، گویی شدت و ابعاد ایدئولوژیک شدن دینی که می‌خواهد ارائه شود، بیشتر و بزرگتر گردیده است.



تصویر شماره ۲۰- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۷۷

به جز این موارد، بازگشت دوباره کتیبه‌ها و طاق قوسی مسجد است که در تصاویر بکار رفته و از این طریق تلاش شده که فضای نشانه‌ای دینی را فراهم کند. دقیقاً مشابه برنامه سال ۱۳۶۶، تصویر از سقف مملو از نگاره‌های متعدد معماری اسلامی آغاز گشته و با حرکت به پایین دوربین و نشان دادن لوستر و چراغ و در نهایت جمعیت، مطالب ارائه شده را همچون نوری در بین جمعیت معرفی می‌نماید (تصویر شماره ۲۱). قرائت قرآن با لحن بسیار زیبا در تیتراژ ابتدایی، به زیبایی تصویر افزوده و فضاسازی مناسبی را نیز برای برنامه مهیا نموده است.



تصویر شماره ۲۱- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۷۷

ج- رنگ و نور: به لحاظ نور شاهد کیفیت بهتر نورپردازی هستیم و لذا تصویر با کیفیت بالاتر ارائه شده است. اما به لحاظ رنگ تغییر خاصی صورت نگرفته است.

د- حرکت: حرکت نسبت به برنامه قبل افزایش دارد. این بدان معنی است که به حرکت از گوینده به مخاطب، نماهای مختلف از گوینده و زاویه‌های مختلف دوربین دوباره توجه شده است.

ه- لباس، جنسیت و سن: مهمترین تغییری که در برنامه سال ۱۳۷۷ اتفاق افتاده، حضور بانوان به طور کامل در جلوی گوینده و در فاصله نسبتاً کم با او است، در حالیکه تعداد کمی از آقایان در گوشه‌ها یا پشت خانمها نشسته‌اند. این برنامه که به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن تولید گشته، نشان از بازگشت زنان به سطح اول جامعه و دیده شدن آنهاست (تصویر شماره ۲۲).



تصویر شماره ۲۲- درسهایی از قرآن ۱۳۷۷

البته در بین این زنان، تفاوت تیپ وجود ندارد و همگی چادری هستند. در واقع می- خواهد نشان دهد که اگرچه زنان به جایگاه اصلی خود بازگشته‌اند، اما همه باید در یک چارچوب مشخص شده مذهبی که حکومت خواهان آن است، حضور داشته باشند. از نظر سنی نیز اکثر زنان جوان هستند که تقریباً مطابق با جمعیت جوان جامعه است (تصویر شماره ۲۳).



تصویر شماره ۲۳- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۷۷

و- ترکیبهای تصویری: تیتراژ ابتدایی حاوی ترکیبهای تصویری متعددی است که تا حدودی توانسته خیال انگیزی لازم را برای مخاطبان فراهم آورد.

ز- تحلیل نهایی: به جز تیتراژ ابتدایی، آنچه فصل تمایز این دو برنامه با برنامه‌های قبل شده (یعنی تصاویر بزرگتر از رهبران سیاسی و حضور خانمها در صف جلوی سخنران) را می‌توان ناشی از تغییرات اجتماعی و سیاسی آن سالها دانست. رخداد مهم آن سالها، در دوم خرداد ۱۳۷۶ اتفاق افتاد که سرفصل جدیدی از حیات فرهنگی را در پی حادثه‌ای سیاسی ایجاد کرد.

ویژگی این حیات فرهنگی از سویی تصور این واقعیت از سوی مخالفان آن رویداد بود که جایگاه بزرگان دینی جامعه تضعیف گشته است و لذا به انحاء گوناگون تلاش می‌شد تا این جایگاه دوباره احیاء گردد. از جمله راهکارهای این احیاء، استفاده از تصاویر بزرگتر از رهبران در برنامه‌های دینی نظیر «درسهایی از قرآن» است تا به زعم خود، اهمیت و جایگاه آنها را بزرگ نشان دهند.

ویژگی فرهنگی دیگر این دوران را می‌توان در آزادی‌های فرهنگی دانست. یکی از این آزادیها، حضور بیشتر زنان در صحنه اجتماع بود. این حضور یکباره زنان در برنامه «درسهایی از قرآن» در جلوی سخنران - در حالیکه تا پیش از این همواره به نوعی در حاشیه بوده‌اند- را می‌توان با استناد به چنین سرفصلی تفسیر کرد.

۵.۴ درسهایی از قرآن / ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲

الف- توصیف: این برنامه‌ها با همان ساختار اما با تغییراتی وارد سومین دهه از تولید خود می‌شوند که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

ب- تحلیل نشانه‌شناختی: به لحاظ نشانه‌ای چند تغییر اصلی پدید آمده است. اول آنکه تیتراژ ابتدایی تغییر یافته و انیمیشن دیگری جایگزین قبلی شده است. در این انیمیشن که همراه با همان صوت قرآن هست، ابتدا تصویر از پایین به بالای گنبدی طلایی از میان نور آشکار می‌شود که در بالای آن کلمه «الله» نصب شده است تا همراه صوت قرآن این معنا را برساند که پیامی از جانب خدا به بندگان در پایین نازل شده است (تصویر شماره ۲۴). تصویر پایین به بالا حاکی از قدرت برتر خداوند است. گنبد نمادی از مسجد و آن نیز تمثیلی از عبادت خداوند است و به نوعی تأیید گزاره قبلی است که عبادت خداوند برتر را اساس قرار داده است. نور نیز تمثیلی از خداوند و رنگ آبی آسمان در زمینه، تداعی‌گر پیام آسمانی است.



تصویر شماره ۲۴- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۸۱

در تصاویر بعدی در حالیکه قرآن در حال تلاوت است، از گنبد طلایی فاصله می‌گیرد تا آنجا که به صحن مسجدی می‌رسد و با چرخش تصویر، حوض مسجد همراه آب آن نمایش داده می‌شود تا نشان دهد آن پیام آسمانی همچون آب، سبب پاکی روح انسانی خواهد شد (تصویر شماره ۲۵).



تصویر شماره ۲۵- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۸۱

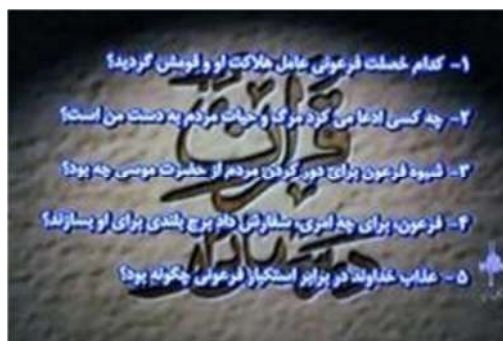
تصویر شماره ۲۶- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۸۱

تصویر، با حرکت در کنار دو حوض مسجد، به داخل مسجد وارد می‌شود (تصویر شماره ۲۶) و بعد از چرخشی در محوطه مسجد به سمت محراب می‌رود. در نهایت کتاب قرآنی که بر روی رحل در محراب قرار دارد، باز شده و از میان آن عنوان «درسهایی از قرآن» خارج می‌شود (تصویر شماره ۲۷). قراردادن قرآن در «محراب»، نمادی از لزوم محوریت یافتن و سرلوحه قرار گرفتن قرآن است و برآمدن عنوان برنامه از قرآن، نشانی از اینکه این برنامه قرار است درسهایی از آن را بیان کند و به تعبیری مفهوم عنوان برنامه را در قالب تصویر نشان داده است.



تصویر شماره ۲۷- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۸۱

دومین تغییر که حائز اهمیت است، درگیر کردن مخاطب تلویزیونی با برنامه است که با چند روش انجام گرفته است. ابتدا پس از پایان تیتراژ، اهم مطالبی که قرار است در آن جلسه توسط سخنران بیان شود، در قالب سؤالاتی در صفحه تصویر تلویزیونی آشکار گردیده و گوینده‌ای آن را مرور می‌کند (تصویر شماره ۲۸).



تصویر شماره ۲۸- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۸۱

سپس در طول برنامه، هر چند دقیقه سرفصلی که سخنران پیرامون آن در حال صحبت است، به صورت زیرنویس ظاهر می‌شود (تصویر شماره ۲۹).



تصویر شماره ۲۹- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۸۱

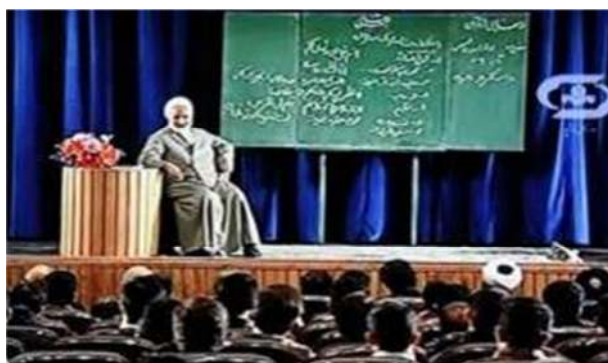
در انتهای برنامه نیز مسابقه‌ای از مطالب بیان شده پخش می‌گردد که در آن سؤالاتی سه گزینه‌ای مطرح شده و از بینندگان خواسته می‌شود که گزینه‌های درست را به آدرس پستی ارسال کنند (تصویر شماره ۳۰)



تصویر شماره ۳۰- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۸۱

در واقع سازندگان برنامه بعد از دو دهه متوجه شده‌اند که باید به مخاطبان برنامه هم توجه کرد و نوعی ارتباط دو طرفه با او برقرار ساخت و بدین طریق خواسته‌اند تا مخاطب با برنامه ارتباط برقرار کند. یعنی سازندگان در تلاش هستند تا عدم برقراری ارتباط دو طرفه با مخاطبان در دو دهه گذشته را از این طریق جبران نمایند.

سومین تغییر را باید فاصله‌گیری سخنران از مخاطب دانست. تا پیش از این، به لحاظ ارتفاع، فاصله سخنران با مخاطب تفاوت چندانی نداشت. به طور معمول سخنران در پشت میز بود (در داخل مسجد یا حسینیه و...) و مخاطبان بر روی زمین نشسته بودند. اما از این دوره به بعد، جلسات در داخل سالنهای آمفی تئاتر برگزار می‌شود. مخاطبان به صورت مرتب بر روی صندلیهای خود نشسته‌اند و سخنران در بالای سین برای آنها سخنرانی می‌کند. (تصویر شماره ۳۱). نتیجه این فاصله انداختن تلقی نوعی ارتباط از بالا به پایین بین سخنران و مخاطبان است؛ گویی دین از موضع برتر پیام خود را ابلاغ می‌کند که در نتیجه، منجر به ایجاد فاصله بین مخاطب و پیامهای دینی سخنران می‌گردد.



تصویر شماره ۳۱- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۸۱

به بیان دیگر، علاوه بر اینکه پیامها یکسویه است (از سوی سخنران به مخاطبان)، به صورت عمودی و از بالا به پایین به مخاطب ابلاغ می‌شود و این بدترین حالت ممکن به لحاظ ارتباطی با مخاطب است که عملاً دریافت مخاطب را از پیامهای دینی به حداقل می‌رساند. در این میان، ترفند مسابقه یا زیرنویس و... از دید سازندگان راه‌حلی برای جبران این فاصله‌ای است که ایجاد شده، اما باید دانست که این راه‌حل تأثیر چندانی در جهت جبران این نوع شکل ارتباطی مخدوش نمی‌گذارد.

علاوه بر این، فضای کلی بحث از داخل مسجد به سالن منتقل شده که در عین حالیکه نظم را در جلسه به تصویر می‌کشد، اما حالت رسمی و تشریفاتی دادن به جلسه‌ای است که تا پیش از این حالت خودمانی داشت. این تغییر، ذهنیت اینکه دین یک چارچوب رسمی و خشک است و برای حضور در این حوزه باید در یک چارچوب مشخص و صندلی

مشخص قرار بگیری؛ تشدید می‌کند و این تلقی را پیش می‌آورد که تنها باید به صورت رسمی شنونده دین باشی.

ج- رنگ و نور: به دلیل آنکه جلسات در داخل سالن برگزار می‌شود، دیگر مشکلات نورپردازی بسیار کمتر شده است و لذا پس از سالها شاهد نورپردازی نسبتاً مطلوب در این برنامه هستیم. در برنامه سال ۱۳۸۲ شاهد استفاده از نورپردازی در پشت سر سخنران با استفاده از رنگ سبز هستیم که تصویر درختی را ایجاد کرده و به زیبایی بیشتر تصویر انجامیده است. (تصویر شماره ۳۲). در سال ۱۳۸۱ هم پرده آبی رنگ پشت سر گوینده، وزانت و نظم را به تصویر افزوده است (تصویر شماره ۳۱).



تصویر شماره ۳۲- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۸۲

د- حرکت: حرکت از سخنران به گوینده یا زاویه دوربین مانند سابق است. آنچه در این سال به لحاظ حرکتی تفاوت کرده، ورود زیرنویس به صحنه است که تنوع حرکتی ایجاد کرد.

ح- لباس، جنسیت و سن: در این برنامه دیگر شاهد کم جلوه دادن و و یا ندیدن زنان نیستیم. بلکه زنان، همچون مردان و موازی با آنها و در کنار آنها قرار گرفته‌اند. لباس و سن مخاطبان نسبتاً دارای تنوع است (تصویر شماره ۳۳).



تصویر شماره ۳۳- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۸۱

و- ترکیبهای تصویری: یکی از ترکیبهای تصویری در این برنامه، استفاده از نامه در ابتدای شروع برنامه است. در صحنه شروع برنامه، «نامه»ای همچون نامه‌های قدیمی از دو سو باز می‌شود و سخنران را در میانه آن نشان می‌دهد. گویی پیامی که سخنران می‌خواهد برای مخاطب بیان کند، همچون نامه‌ای است که این برنامه تلویزیونی در حال بازخوانی آن است (تصویر شماره ۳۴) در واقع تصویرساز با ترکیب تصویری ساده، تنوع تصویری را بالا برده و به جذابیت آن در جهت خیال‌انگیزی افزوده است. علاوه بر این، زیرنویس در طول پخش برنامه نوعی ترکیب تصویری به حساب می‌آید که جذابیت تصویر را افزایش می‌دهد.



تصویر شماره ۳۴- برنامه درسهایی از قرآن سال ۱۳۸۲

ز- تحلیل نهایی: آنچه این جلسات را نسبت به جلسات قبل آن متمایز می‌کند، ورود بیش از پیش رویکرد خطابی به حوزه گفتگو است که نشانه‌های آن را پیش از این برشمردیم. این رویکرد از یک سو برگرفته از نگاه فقهی به دین است که گفتگو را بر نمی‌تابد و در پی اعلام مواضع دین و پذیرش آن از سوی مخاطبان است و از سوی دیگر حکایت از دیدگاهی دارد که در پی سلطه هژمونیک دینی است و لذا مخاطبان را در یک چارچوب مشخص تعریف می‌کند.

۶.۴ درسهایی از قرآن / ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸

الف- توصیف: این برنامه‌ها با همان ساختار اجرا شده است.
ب- تحلیل نهایی: هیچ تغییری در برنامه به لحاظ، حرکت، رنگ و نور، لباس، سن، جنسیت و وجود نشانه در برنامه این سالها نسبت به گذشته دیده نمی‌شود. تنها تغییری که به وجود آمده، ورود بیشتر «ترکیب تصویری» در تصویرهای این برنامه است.
در مجموع به نظر می‌رسد بعد از تغییراتی که با شروع دهه سوم به برنامه داده شده است، برنامه دچار رکود و عدم تغییر جدی گشته که بیشتر دلخوش از پخش برنامه‌ای دینی است، بدون آنکه بخواهد ارزیابی از نحوه و کیفیت تولید داشته باشد.

۵. نتیجه‌گیری

برنامه «درسهایی از قرآن» حدود ۴۰ سال است که از تلویزیون پخش می‌گردد و در طول سالهای پخش به لحاظ تصویری دچار تغییرات متعدد شده است. مهمترین این تغییرات، ارائه تدریجی دین ایدئولوژیک و در ادامه دین حکومتی در این برنامه است. برنامه‌ای دینی که در ابتدا نسبتی با حکومت به طور معمول نداشت، به تدریج به سمتی رفت که گویی برنامه قرار است صدای دینی باشد که حکومت مدنظر دارد و این امر از تغییرات تصویری در طول این سالها به وضوح نمایان است. این مسأله به تدریج منجر به عدم اقبال و پذیرش مخاطب از پیامهای دینی می‌شود.

دومین نکته مهم در مورد این تغییرات، فاصله‌گیری (یا ارتفاع) بیشتر سخنران از مخاطب و ایجاد ارتباط عمودی و یکسویه با اوست که بدترین حالت ممکن به لحاظ ارتباطی است و این امر در تغییرات تصویری این سالها مشهود بود. ویژگی سوم عدم

حرکت تصویری لازم در چنین برنامه‌ای است که با ویژگی ذاتی تلویزیون در تضاد است. اگرچه ترکیبهای تصویری، رنگ و نور و نماهای تصویری در طول این سالها بهبود یافته است و زنان در این برنامه دینی ارتقاء جایگاه پیدا کرده و همسطح مردان شده‌اند، اما یکی از مهمترین مشکلات برنامه‌های دینی تلویزیون در قالب این برنامه تثبیت شده است و آن عدم توجه به تنوع مخاطبان به لحاظ تیپ و سطح دینداری است. در واقع با توجه به تصویر موجود از حاضران در برنامه در طول این سالها (به جز سالهای ابتدایی)، همه مخاطبان را در طول سالهای متعدد یک تیپ ثابت مذهبی در نظر گرفته و تلاش نشده با دیگر سطوح مذهبی و به ویژه افراد کمتر مذهبی ارتباط برقرار سازد.

در مجموع به نظر می‌رسد این برنامه علی‌رغم استقبال مخاطبان در سالهای ابتدایی به واسطه ویژگیهای کلامی آقای قرائتی نظیر بیان مسائل دینی با زبان عامیانه و دوری از ادبیات تکلف آمیز حوزوی، استفاده از طنز در کلام و استفاده از مثالهای متعدد و ملموس که همگی اینها منجر به ارتباط بهتر مخاطبان با برنامه شده بود، اما به تدریج به دلایلی که در فوق بدان اشاره شد و همچنین افزایش سطح معلومات، دانش و گنجینه تصویری مخاطبان، دیگر توان جذب مخاطب را ندارد و محبوبیت برنامه کاسته شده است. در نتیجه «تصویر» در این برنامه، به دلیل عدم رعایت شاخصهای ارتباطاتی صحیح، نتوانسته مدد رسان ارائه درست «دین» گردد. راه حل این مشکل، بازتعریف تصویری این برنامه در تمام بخشها است تا بتواند در قالب یک برنامه دینی موفق دوباره در تلویزیون مطرح گردد.

کتابنامه

- آسابرگر، آرتور (۱۳۸۳)، روش‌های تحلیل رسانه‌ها، ترجمه پرویز اجلالی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- استتی، صلاح (۱۳۷۵)، «اسلام و تصویر»، ترجمه محمد سعید محمصی، نشریه نقد سینما، شماره ۸، صص ۷۱-۷۹.
- ایول، ژاک (۱۳۹۱)، «تعارض دینی میان تصویر و کلمه» در: جستارهایی در رسانه، ترجمه افشین خاکباز، جلد سوم، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- دالگرن، پیتر (۱۳۸۰)، تلویزیون و گستره عمومی، ترجمه مهدی شفق‌تی، تهران: سروش.
- داندیس، دونیس ا. (۱۳۹۳)، مبادی سواد بصری، ترجمه مسعود سپهر، تهران: سروش.
- دوبیر، راشل (۱۳۸۸)، «اسلامی کردن فیلم» در: جستارهایی در رسانه، ترجمه شاپور عظیمی، جلد دوم، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.

دین و تصویر: تحلیل تصویری سه دهه از برنامه تلویزیونی ... ۲۵۷

رژ، ژیلیان (۱۳۹۴)، روش و روش‌شناسی تحلیل تصویر، ترجمه سیدجمال‌الدین اکبرزاده جهرمی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات؛ مرکز پژوهش و سنجش افکارصدا و سیما.

شاپوری، سعید (۱۳۸۰)، «تصویر در اسلام»، فصلنامه کتاب ماه هنر، شماره ۳۷ و ۳۸، صص ۶۲-۶۳.
فرجی، مهدی، حمیدی، نفیسه (۱۳۸۵)، «بازنمایی زندگی روزمره در خیابان: نشانه‌شناسی کلیپهای راهنمایی و رانندگی»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، بهار و تابستان ۱۳۸۵، دوره ۲، شماره ۵، صص ۱۵۹-۱۷۸.

فیسک، جان (۱۳۸۶)، درآمدی بر مطالعات ارتباطی، ترجمه مهدی غبرایی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

لیندرمن، آلف (۱۳۸۲)، «دریافت معنای دین» در: بازاندیشی درباره رسانه، دین و فرهنگ، ترجمه مسعود آریایی‌نیا، تهران: سروش.

متالینوس، نیکوس (۱۳۸۴)، زیبایی‌شناسی تلویزیون، ترجمه جمال‌آل احمد، تهران: اداره کل پژوهشهای سیما.

محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۲)، «حلقه وصل دین و رسانه: تشدید ادراک، تقلیل احساس»، روزنامه ایران، سال نهم، شماره ۲۶۳۰، ۱۴ آبان ۱۳۸۲.

مک‌کوئین، دیوید (۱۳۸۴)، راهنمای شناخت تلویزیون، ترجمه فاطمه کرمعلی و عصمت گیویان، تهران: اداره کل پژوهشهای سیما.

مک‌لوهان، مارشال (۱۳۷۷)، برای درک رسانه‌ها، ترجمه سعید آذری، تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

مورگان، دیوید (۱۳۹۱)، «تصویر» در: کلیدواژگانی در باب دین، رسانه و فرهنگ، ترجمه امیر یزدیان، قم: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

هوور، استوارت (۱۳۸۶)، «از رسانه تا معنا»، ترجمه اسماعیل بشری، فصلنامه رسانه، سال هجدهم، شماره ۶۹، بهار ۱۳۸۶، صص ۹۵-۱۱۹.

Grabar, Oleg (2006), *Islamic Art and Beyond*, Hampshire: Ashgate Publishing Limited.

Gross, Larry , Kats, John Stuart, Ruby, Jay (2003), *Image Ethics in the Digital Age*, :U of Minnesota Press.

Hocks, Mery E., Kendrick, Michelle R. (2005), *Eloquent Images: Word and Image in the Age of New Media*, :MIT Press.

Howells, Richard (2003) *Visual Culture*, London: Polity Press & Blackwell Publishers Ltd.

Mirzoeff, Nicholas (1999), *An Introduction to Visual Culture*, London: Routledge.

Mitchell, William John Thomas (2005), *What Do Pictures Want?: The Lives and Loves of Images*, Chicago: University of Chicago Press.

Naef, Silvia (2004), *Y a-t-il une question de l' Image en Islam*, Paris: Teraedre.